

رساله عملیه ۶

جلسه چهل و یکم

یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۴

ساعت ۸

مراتب فهم قرآن

۱. قرآن متنی است که معانی ظاهری همچون همه متن‌ها دارد و معانی عمیق و متفاوتی که از آن به بطون قرآن تعبیر می‌شود. همین‌طور مواجهه ما با قرآن مراتب گوناگونی دارد و هر کس از یک منظر و زاویه می‌تواند به آن توجه نموده و مواجه شود و تفاوتی بین مومن و منکر در این مراتب درک و مواجهه و برداشت نیست و همان‌طور که انسان مومن می‌تواند از زوایای مختلفی به قرآن توجه نموده و مواجهه خاص خود داشته باشد فرد منکر نیز همین تفاوت در درک معنی و زاویه توجه او وجود دارد.

۲. اولین مرتبه قرآن همان ظاهر عادی آن است که همچون تمام متون دیگر قابل درک و توضیح و تفسیر است و قرآن‌پژوهان و مفسران و طالبان به آن توجه نموده و سعی در کشف و تحلیل آن می‌نمایند. از این زاویه سوالات و مسائل و موضوعات بی‌شماری برای درک و تحلیل و تفسیر وجود دارد و چه تحقیقات و تالیفات بسیار که در این رابطه صورت گرفته و پس از این هم ادامه خواهد داشت و هرگز انتهای برای آن متصور نیست.

۳. مرتبه عمیق‌تر قرآن درک دستورات و راهنمایی‌ها و راهبردهای آن برای انسانی است که در مسیر حرکت گام برمی‌دارد. اگر مرتبه قبلی را "دانش علمی قرآن" بدانیم، می‌توان این مرتبه را "درک معرفتی قرآن" دانست و منظور از آن فهم و تعلم قرآن و معانی است که هدف از آن انسان و ابعاد زندگی او است. در مرتبه قبلی هر آنچه که کنجکاوی انسانی در مورد یک متن ایجاب می‌کند می‌تواند موضوع سوال و تحقیق و تفسیر قرار گیرد اما در این مرتبه دانستن ارتباط گزاره قرآنی و معارف آن است با انسان و وجود و ابعاد او و تغییرات ممکن و تعلیماتی که برای او مفید است و درک‌هایی که در این مسیر برای فرد فایده‌ای حاصل می‌گردد. این مرتبه در معانی و معارف قرآن عمیق‌تر و باطنی‌تر از مرتبه قبلی است و اگر آن را "علوم متداول" نام نهمیم این معانی را باید "معارف و باورهای قرآنی" نامید. به عبارت دیگر مرتبه قبلی "درک علمی قرآن" و این مرتبه "فهم معرفتی" آن است.

۴. درک معرفتی قرآن محدود به یک مرتبه خاص نیست و همچون تمام علوم و دانش‌هایی که گزارشی از واقعیت جهان و شیوه تغییر آن را ارائه می‌دهد مراتب گوناگون و بی‌شماری دارد. چرا که واقعیت جهان موضوع مراتب گوناگونی از دانش و بینش قرار گرفته و پیوسته انسان با توسعه وجودی و معرفتی به مراتبی جدیدی از واقعیت و شیوه تغییر و احاطه بر آن دسترسی پیدا می‌کند و هرگز این مراتب به انتها نمی‌رسد و هرچه که ظرفیت انسان فراتر برود امکان درک جدید و شیوه‌های برتری از واقعیت و احاطه بر آن حاصل می‌گردد. بنابراین درک معرفتی انسان از قرآن پیوسته عمیق‌تر شده و به بطون عمیق‌تری از آن دسترسی پیدا می‌کند و هرگز به انتها نمی‌رسد.

۵. مرتبه عمیق‌تر درک از قرآن -مرتبه سوم- زمانی حاصل می‌شود که معرفت قرآن با زندگی و عمل انسان عجین شود. در هر شاخه علمی و معرفتی برای احاطه عمیق‌تر به عینیت‌های جهان باید در آن عینیت غوطه خورده و با آن عجین شد. تفاوتی بین علوم و فنون تجربی مانند فیزیک و شیمی و پزشکی با علوم انسانی در این شرط نیست. غوطه خوردن انسان در عینیت‌های مربوط به هر دانش به ما امکان احاطه بیشتر بر واقعیت‌های آن دانش را

می‌دهد و در علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی و سیاست و اقتصاد عمق درک زمانی حاصل می‌شود که با این بعد انسانی رابطه عملی و واقعی قوی‌تری داشته باشیم همان‌طور که در فیزیک و شیمی و نجوم باید با فرو رفتن در واقعیت فیزیکی و شیمیایی و جهان هستی ارتباط واقعی و عملی کامل‌تری داشت. در درک معارف قرآن نیز این مساله صادق است، اما ارتباط باید با واقعیت درونی و ذاتی انسان برقرار گردد و این تنها با سیر روحی خود فرد ممکن است و نه هیچ چیز دیگر. نمی‌توان با مطالعه کتابخانه‌ای و تحقیق در مورد انسان‌های دیگر به این مهم رسید چرا که موضع حرکت ذات انسانی است و انسان تنها با ذات خودش ارتباط دارد و ارتباط با انسان‌های دیگر بدون ارتباط با ذات و هویت آنها صورت می‌گیرد.

*مرتبۀ سوم درک قرآن را باید مرتبۀ "فهم عینی" نامید و کاملاً عمیق‌تر و کامل‌تر از مرتبۀ دوم -درک معرفتی- است. *

۶. هر سه این مراتبی که در بالا توضیح داده شد اگرچه در شروع مانند یک مرتبۀ واحد جلوه می‌نماید، اما در ادامه همچون اقیانوسی خروشان و عمیق و بی‌انتهاست. هرگز نمی‌توان به نهایتی در آن رسید اما شیوه ورود و عمیق شدن در هر یک متفاوت است. ورود به مرتبۀ اول با علم ذهنی و تحقیق کتابخانه‌ای و حضور در جلسات درس و بحث صورت می‌گیرد. اما دومی با تغییر نگاه انسان و فراتر رفتن از کنجاوی‌های ذهنی با تفکر و درک موضوع معرفت که انسان و حرکت و درک واقعیت جهانی است ممکن می‌شود. علاقه و زاویه دید درست به این موضوع و امکان درک تعلم از کسانی که در این مسیر پیش رفته‌اند بیشترین تاثیر را در تحصیل این مرتبۀ دارد. اما مرتبۀ سوم تنها با اقدام عملی و نحوه زیست انسان حاصل می‌شود و مقدمات و شرایطی دارد که در دو جلسۀ "در برابر قرآن" (جلسه ۳۰ رسالۀ ۶) و "رودررو با قرآن" (۵۸ رسالۀ ۲) توضیح داده شد.

۷. اما مرتبه بالاتری هم در برابر قرآن وجود دارد که آن را باید "وصول و ورود به عالم قرآن" نامید. این مرتبه‌ای است که در اثر استقرار در مرتبه قبلی و استمرار و "توقف" در آن ممکن می‌شود. در بحث "در برابر قرآن" توضیح داده شد که:

"....."توقف" بر این مواجهه و حفظ شروط آن کاری سختی است که فرد باید بر آن مواظبت نموده و "انتظار جوشش‌های جدید" حالتی است که باید ادامه دهد. اگر انسان مقدمات را به خوبی انجام دهد و وارد این رودرویی شود آنگاه بر رابطه خود و قرآن متمرکز و آگاه شده اما آن را مانند متن مقدسی می‌یابد که حقیقت و عینیتی است و رای هر درک و حدس و رمزگونه و راز آلود. اگر به درستی سیر کرده باشد، نگاه او به قرآن مثل کتاب عظیمی است که آن را نمی‌فهمد و اگر هم می‌فهمد آنقدر اندک است که ثمره‌ای ندارد. بنابراین او قرآن را - هنگام قرائت- دنیایی می‌بیند که "درک او از آن بسیار کمتر از عینیت و واقعیت آن" است و وقتی آن را در دست می‌گیرد چون "محموله‌ای و رای همه عالم" است که دردست اوست و دریای مواجهی است که هر موج آن در هر لحظه می‌تواند دنیای عادی او را زیرورو کند، در حالی که هنوز چیزی از این دریای موج دریافت نمی‌کند. بدون "توقف بر این ناهمی" و انتظار "جوشش درک‌های متعالی" نمی‌توان نتیجه را به دست آورد و این کار سختی است که باید صورت گیرد...."

۸. ورود به عالم قرآن همچون غرق شدن در اقیانوسی بی‌انتهای امواج خروشان و کشنده آن است که چه بسا دنیا و آخرت انسان را -در چشم ظاهر بین- نابود نماید!

انسانی که در اثر استقرار و استمرار در مرتبه "درک عینی" به این اقیانوس وارد می‌شود ناگهان خود را در برابر امواج وحشی و خروشان می‌بیند که طاقت تحمل آن را ندارد او ناگهان درمی‌یابد که:

"... قرآن همه عالم است؛ با تمام اشیا و حوادث و خالق و مخلوق و غیر آن. قرآن همه چیزی است که خداوند در باره تمام عالم می‌خواهد بگوید. همه جزئیاتی که ما در آن هستیم و همه کلیات، گذشته و آینده؛ هر چیزی که رخ خواهد داد و هر چه باید رخ دهد. هر چه که می‌تواند رخ دهد و هر چه که نمی‌تواند رخ دهد. فرد به محض ورود و تمرکز و توجه؛ با تمام این "حقایق" و با این "عالم" یکی می‌شود. وقتی وارد "عالم قرآن" شد؛ هر چه تمرکز بیشتر شود این وحدت بیشتر تحقق پیدا می‌کند. هر چه که به این رابطه بیشتر توجه کند و تمرکز در آن داشته باشد، این وحدت را بیشتر احساس می‌کند...."

"... به محض آنکه انسان در این عالم غرق می‌شود؛ راهنمایی‌هایی رخ می‌دهد که خودش آن را درک می‌کند. اینطور نیست که انسان جدای از قرآن باشد و قرآن راهنمایی و مخاطب و تکلم با انسان کند. انسان چون موجی است که در دریا غرق است و یک لحظه متوجه می‌شود که او هم خودش از این دریاست و جدای از آن نیست و می‌بیند و می‌فهمد آنچه را که باید بفهمد...."

۹. گاهی رسیدن و غرق شدن در این دریا برای انسان سختی‌هایی دارد که به تناسب فرد و ظرفیت او و تقدیر و مصلحت او متفاوت است. هر چه تقدیر بالاتری دارد و انتخاب مراتب متعالی تری را برای زندگی خود کرده، چه بسا سختی‌های بیشتر را دچار خواهد شد و خداوند ظرفیت آن را به او خواهد داد. چه بسا اندکی توجه به حقیقت قرآن و تمایل به محو شدن در این عالم، باعث سال‌ها گرفتاری در زندگی فرد شود. البته در حد یک روز و یک هفته و یک ماه برای انسان طبیعی است و باید پای آن بایستد.

حوادث عالم بیرون، یعنی حوادثی که قبل از "ورود به عالم قرآن" برای انسان رخ می‌دهد، هر چه که ناملایمات و ناکامی‌های بیشتری داشته باشد، هنگام قرائت قرآن باعث حضور بیشتر و توجه و تمحض بیشتر در "عالم قرآن" می‌شود. تا جایی که انسان از ناکامی‌های قبلی خود شادان شده و از کامیابی‌های بعدی رویگردان می‌شود! در

این حالت انسان باید هر چه که در "عالم قرآن" رخ داد را استقبال کند و از آن نترسد. این رخدادها گاهی راهنمایی هستند که برای انسان رخ می‌دهد.

۱۰. حداقل آنچه که در این رمضان در برنامه قرآنی هر روزه باید رخ دهد ورود به مرتبه سوم است. فرض بر این است که همه افراد نه تنها با مرتبه دوم آشنایی دارند بلکه در مواردی مرتبه سوم را هم چشیده‌اند. این فرض واقعی و از روی مشاهده و تجربه افراد است و فرضی دور از واقعیت نیست و کسی حق ندارد شان و تجربه خود را کمتر از این بداند و به این بهانه از برنامه رمضان و محتوای آن فرار کند.... مسلم است که اگر کسی اهل این وادی نباشد در این جلسات حضور نخواهد یافت.

۱۱. مهم‌ترین کار دوستان عجین کردن تجربه قرآنی با زندگی روزانه در این رمضان است. دستورات پنج‌گانه که در جلسه قبلی "جاده" گفته شد و مقدمات سه‌گانه آن تمامی شروطی است که فرد برای استفاده از برنامه قرآنی باید رعایت نماید تا بتواند ورود کامل‌تر و عمیق‌تری در مرتبه سوم فهم قرآن داشته باشد.

۱۲. در جلسه "رویارویی با قرآن توضیح داده شد که:

"... روش‌های دیگر رجوع به قرآن - و مراتب دیگر فهم و قرائت آن - در جای خود معتبر است و تناقضی بین این روش‌ها و رویارویی حقیقی با قرآن وجود ندارد. روش‌هایی مانند قرآن‌پژوهی، قرائت‌های زیبا و روش‌مند، خواندن بدون توجه قرآن، خواندن به نیت ثواب یا ختم قرآن به روش‌های رایج و رجوع به تفاسیر. هر کدام از این‌ها برای افراد خاصی معتبر و مهم است و چه بسا از طریق آن بتواند تا حدی به رویارویی حقیقی با قرآن نزدیک شده یا

حتی بر آن منطبق شود و نباید از این غافل شد که تمام آنچه که گفته شد را نباید مانند کلیشه‌ای محکم و بدون انعطاف در نظر گرفت و همه چیز را با آن سنجید..."

همچنین گفته شد که:

"...برای فردی که رویارویی حقیقی و ورود به دریای قرآن را دنبال می‌کند، رجوع به تفاسیر و توجه به معانی و اموری دیگری از این قبیل زمانی مفید است که باعث باز ماندن فرد از سیر حقیقی توجه به قرآن و ورود و استمرار در مراتب بالاتر فهم آن نشود..."

۱۳. بنابر آنچه که ذکر شد، رجوع دوستان به تفسیر و قرائت قرآن و جلسات دیگر برای انس و توانایی بیشتر با مراتب اول و دوم فهم قرآن مانع حضور در برنامه قرآنی رمضان نیست. مخصوصاً تفاسیری مانند المیزان که تمام مراتب فهم و درک قرآن در آن وجود دارد و همچون خود قرآن ظاهر و بطونی دارد که رسیدن به آن به سهولت ممکن نیست.

۱۴. مرتبه چهارم و "ورود و وصول به دریای عینی قرآن" تنها با استمرار و استقرار در فهم عینی قرآن -مرتبه سوم- حاصل می‌شود و بدون استحکام در مرتبه سوم امکان ورود به چهارم نیست. مخصوصاً توقف در هنگام ورود به مرتبه چهارم نقشی جدی در توفیق ورود دارد. توقفی که بدون رنج و مشقت نیست و مشقت آن از انواع مشقت‌های رایج و رنج‌های دنیایی نیست و از جنس دیگری است که تحمل آن بدون ظرفیت و سعه صدر امکان ندارد.

۱۵. در هنگام ورود به مرتبه چهارم و هنگامی که انسان به امواج خروشان این اقیانوس روبرو می‌شود نیاز به تحمل و تسلیم شدیدی است تا به تدریج این امواج شدید و شدیدتر شود. تحمل و تسلیمی که از جنس غرق شدن و نابود شدن و فراموش شدن است و نه چیز دیگر. در این میان گاه انسان دچار ابتلائات و امتحاناتی می‌شود که بیش از تصور و درک اوست:

"ورود به عالم قرآن و توجه به آن ممکن است به صورتها و جلوه های مختلفی باشد که خود انسان متوجه می‌شود، اگرچه تحمل آن ساده نیست. مثلا باید توجه به معنی بکند یا از آن بگذرد. گاهی در بعضی از مراحل برای بعضی از افراد؛ ممکن است وضعیت طوری باشد که انسان اجازه نداشته باشد از توجه به "جلد قرآن" عبور کند! مثلا کسی میخواهد قرائت قرآن کند، آن را در دست میگیرد و تمحض و "غرق شدن در دنیای قرآنی" در همین مرحله برای او رخ میدهد و دیگر حق ندارد از آن گذر کند؛ چون گذر از آن بیرون آمدن از این دنیا است به طلب علم و اطلاع و ثواب که همه اش دنیایی و انحرافی است. برعکس ممکن است فرد لازم باشد به معنی آن و یا تفسیر توجه کند. گاه ممکن است در تنهایی و سکوت انجام دهد و گاه باید تدریس و تالیف کند. خود این "دریایی" که او در آن غرق شده به او نشان میدهد که سرنوشت این موج چیست و به چه سو و تا کجا باید برود، نه کمتر و نه بیشتر. اگر غیر آن برود از این "عالم" بیرون آمده و در غفلت و توهم همیشگی خود درباره قرآن گرفتار شده است. چه بسا "ورود به عالم قرآن" یک بار برای انسان صورت بگیرد، اما فرد مدتها قبل از آن، گرفتار حوادث مختلف باشد تا آماده این حضور گردد و چه بسا درک حضور برای یک لحظه آثاری برای او داشته باشد که بعدا برای او روشن و آشکار شود. هر چه که هست، راه "ورود به عالم قرآن" توجه به قرآن و تمرکز آن و "حذف حواشی" آن است و پس از آن به هر چه و هر کجا که نتیجه آن شد باید تسلیم باشد. البته نباید از این مسیر ترسید چون ظرفیت آن را خداوند به انسان میدهد...."

تمام